مرگ مک‌فارلین و ناگفته‌هایی برای همیشه

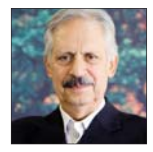

علی بیگدلی ،تاریخ‌دان و پژوهشگر عصر معاصر: واترگیت در دوران ریاست‌جمهوری نیکسون و ایران‌گیت (کنترا) در زمان ریگان، دو رسوایی بزرگ تاریخ آمریکا قلمداد می‌شوند که به عنوان نقاط عطفی توانستند سیاست داخلی و خارجی ایالات متحده را تحت‌الشعاع قرار دهند.

در باب رسوایی دوم باید گفت که آمریکایی‌ها از ابتدا انقلاب اسلامی را به رسمیت شناخته بودند و حتی به واسطه درخواست ایران برای استرداد شاه، واشنگتن حاضر به پذیرش وی در خاک آمریکا نشده بود، چنانی که فرح پهلوی هم در خاطراتش نقل می‌کند که با تلاش‌های کسینجر هم موفق به اقامت در ایالات متحده نشدند، اما به نظر می‌رسد نهایتا حوادث به سمتی پیش رفت که بعد از ۱۳ آبان سال ۵۸ و تسخیر سفارت آمریکا و به دنبالش حادثه طبس، عملا روابط ایران و ایالات متحده وارد تقابلی شد که تا به اکنون ادامه دارد.

با وجود آنکه در سطحی از تحلیل مسئله گروگان‌گیری باعث شکست کارتر و پیروزی ریگان در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۹۷۹ شد، اما تلاش‌های دولت ریگان هم توسط رابرت مک‌فارلین برای آزادی گروگان‌های آمریکایی در ایران به نتیجه نرسید؛ چراکه در اثر فضای ضدامپریالیستی یا بهتر بگوییم فضای ضدآمریکایی اوایل انقلاب وی (مک‌فارلین) اجازه حضور در خاک ایران برای مذاکرات را پیدا نکرد. هرچند به دلیل ارتباطات گسترده مک‌فارلین با کسانی چون جواد لاریجانی به‌واسطه تحصیل در آمریکا و... بستر مذاکرات برای آزادکردن گروگان‌ها شکل گرفته بود، اما مک‌فارلین به خروجی چندان مهمی دست پیدا نکرد. پیرو این نکته وی برای مدت طولانی در ترکیه منتظر ورود به ایران و گفت‌وگو با مقامات بود که نهایتا با مخالفت امام این مهم صورت نگرفت؛ اما درعین‌حال مذاکرات پنهانی توسط وی وجود داشت. به هر حال مک‌فارلین از نفوذ و روابط بسیار بالایی با برخی از چهره‌های انقلاب برخوردار بود. به‌خصوص که برخی افراد هم مانند آقای هاشمی‌رفسنجانی تمایلی به ادامه تسخیر سفارت نداشتند. اینها علاوه بر آن است که تلاش برای ادامه گروگان‌گیری عاقبت به استعفای دولت مهدی بازرگان هم منجر شد، چراکه اعضای این دولت نیز مانند هاشمی‌رفسنجانی با تداوم این گروگان‌گیری مخالف بودند، هم‌چنان که مرحوم ابراهیم یزدی در سفر به الجزایر این مخالفت خود را بیان کرده بود.

اما به مرور وقوع برخی حوادث در داخل ایران و منطقه رفته‌رفته شرایط را برای ورود مک‌فارلین به ایران و گفت‌وگو با مقامات به وجود آورد که مهم‌ترین آن به آغاز جنگ تحمیلی هشت‌ساله ایران و عراق بازمی‌گشت. در زمان جنگ تحمیلی حرف و حدیث‌های فراوانی درخصوص نیاز مبرم کشور به تسلیحات مطرح بود. در این بین چون از یک طرف هنوز سیاست‌های ضداسرائیلی به پررنگی امروز در اوایل انقلاب وجود نداشت و مهم‌تر آنکه اسرائیل برای سال‌ها یکی از مهم‌ترین تأمین‌کنندگان سلاح ایران به شمار می‌رفت؛ بنابراین با شروع جنگ و تشدید نیاز داخلی برای تأمین سلاح، خرید اسلحه از اسرائیل یک امر قطعی به نظر می‌رسید. در آن سو چون اسرائیل هم به شدت از تداوم حکومت صدام حسین نگران بود، تمایل به تأمین سلاح ایران برای تقابل با بغداد را داشت. مجموعه این مسائل و دیگر عوامل خود به خود شرایطی را رقم زد که مسئله خرید سلاح از اسرائیل در دستور کار قرار گیرد، کما اینکه در قسمتی از خاطرات آقای هاشمی‌رفسنجانی عنوان شده که ایران در سال‌های جنگ بخشی از سلاح خود را از به طور غیرمستقیم از اسرائیل تأمین کرده است. اما به دنبال گروگان‌گیری در ایران اتفاق کلیدی که سبب رقم‌خوردن رسوایی ایران - کنترا شد، به گروگان‌گیری در لبنان بازمی‌گشت؛ این گروگان‌گیری هم به عنوان یکی از چالش‌های مهم دیپلماتیک دوره دوم دولت رونالد ریگان از سال ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۷ به طول انجامید. نقش سیدمهدی هاشمی به عنوان مسئول نهاد نهضت‌های آزادی‌بخش سپاه و از نزدیکان آیت‌الله منتظری هم بسیار مؤثر بود که البته با نامه‌نگاری منوچهر قربانی‌فر به فتح‌الله امید نجف‌آبادی و محسن کنگرلو شروع شد و نهایتا از روزنامه الشراع لبنان سر درآورد. در این بین نفوذ و دخالت جدی کنترا‌ها برای دادن پول‌های حاصل از فروش سلاح به ایران برای شورشیان نیکاراگوئه به سفر جنجالی مک‌فارلین به ایران منجر شد که وی مدعی بود این سفر برای توافق با مقامات ایران جهت توقف تروریسم، مذاکره برای خاتمه جنگ و همکاری برای آزادسازی گروگان‌های آمریکایی در لبنان به‌عنوان سه شرط برای برقراری روابط میان واشنگتن و تهران انجام شده بود؛ سفری که همچنان لایه‌های پنهان بسیاری با خود دارد که با مرگ مک‌فارلین بخشی از زوایای ناگفته آن برای همیشه باقی می‌ماند، همچنانی که پیش‌تر با فوت هاشمی‌رفسنجانی هم ناگفته‌های دیگری در این خصوص در لابه‌لای تاریخ گم شد.

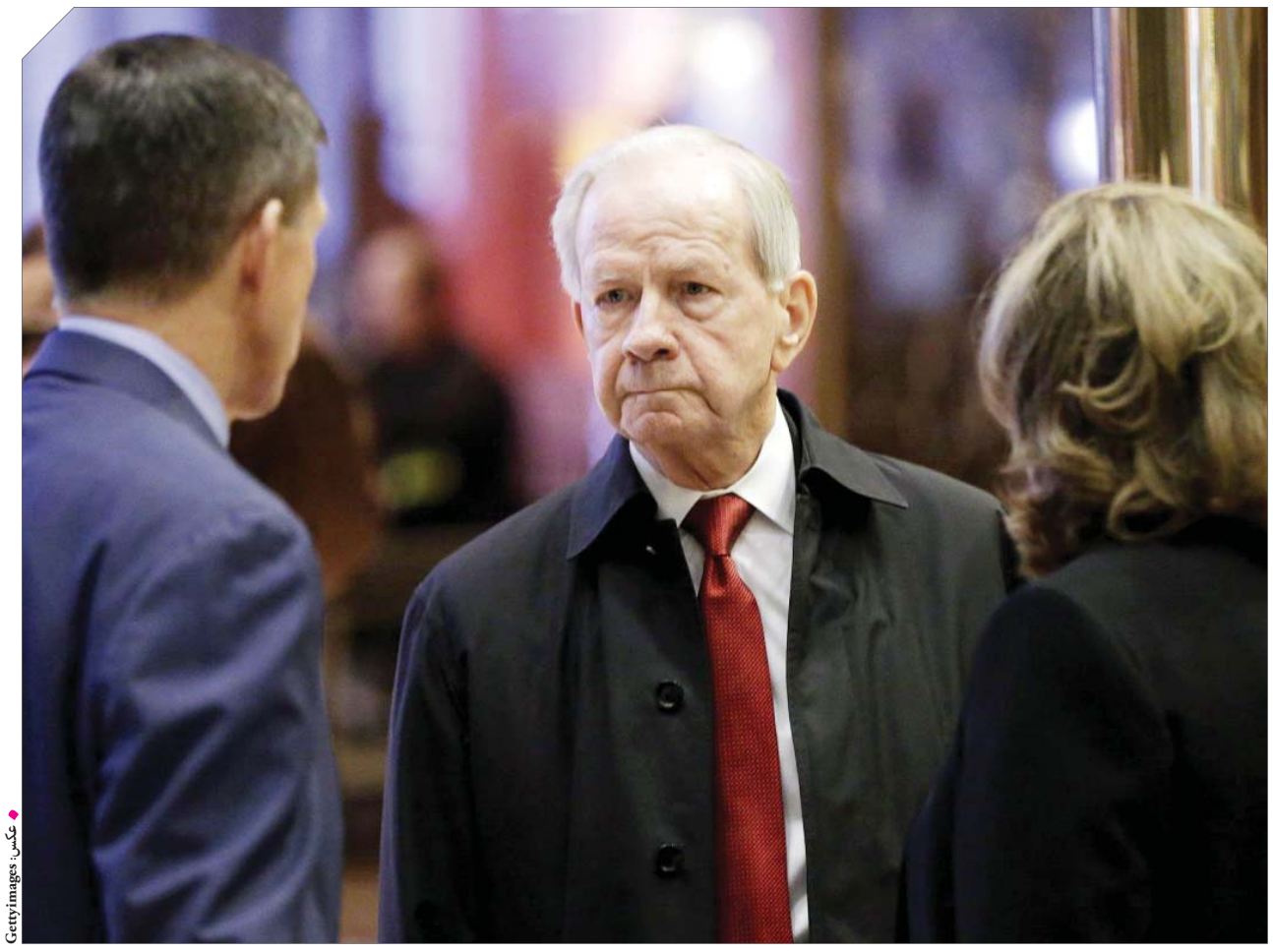

عکس: Gettyimages

به بهانه مرگ رابرت مک‌فارلین؛ بازخوانی ماجرای خرید سلاح از آمریکا در زمان جنگ ایران و عراق

محرمانه‌های یک معامله تاریخ‌ساز

شرق: رابرت مک‌فارلین، مشاور امنیت ملی رونالد ریگان که نام او با پرونده فروش سلاح به ایران در جریان جنگ عراق پیوند خورده، در ۸۴سالگی درگذشت. مأمور مخفی‌ای که در خلال مأموریتش برای فروش مخفیانه اسلحه به تهران در میانه‌های جنگ ایران و عراق با هدف آزادی گروگان‌های آمریکایی در لبنان وارد کارزاری شد که به رسوایی کنترا و ایران‌گیت در آمریکا مشهور شد و او را برای همیشه بازنشسته کرد.

سحرگاه ۲۵ می ۱۹۸۶ (۴ خرداد ۱۳۶۵) بود که یک هواپیمای ایرلندی حمل اسلحه در تهران فرود آمد، پروازی با میهمانان ناخوانده‌ای با پیامی از واشنگتن به تهران. آنها با خود یک اسلحه کلت و یک انجیل امضاشده از سوی ریگان و یک کیک به همراه داشتند. «کیک شکلاتی» که با نظر جورج کِیو به شکل کلید و در تل‌آویو پخته شده بود تا سمبلی از گشایش در روابط میان ایران و آمریکا باشد. هرچند از سرنوشت کیک شکلاتی به علت عدم پذیرش مأموران در پنج روز نخست حضورشان در تهران اطلاعی در دست نیست و فقط روایتی هست از اینکه در همان فرودگاه کیک خورده شده؛ اما درباره کتاب انجیل شنیده‌ها حاکی از آن است که همان زمان به هاشمی‌رفسنجانی تحویل داده شد که با انضمام امضای هاشمی‌رفسنجانی کنار امضای ریگان، امروز حداقل ۵۰ میلیون دلار قیمت آن است.

رابرت مک‌فارلین تفنگ‌دار دریایی از واشنگتن که توانسته بود در دولت ریگان به کاخ سفید راه پیدا کند و مشاور امنیت ملی رئیس‌جمهور وقت آمریکا شود، بعد از افشای ابعاد پیچیده مبادله فروش اسلحه به ایران در سال ۱۹۸۸ در دادگاه اتهامات خود مبنی بر دروغ‌گفتن به کنگره را پذیرفت. او اعتراف کرد که دولت رونالد ریگان در سال ۱۹۸۵ به طور مخفیانه به ایران سلاح فروخته تا در برابر آن از تهران بخواهد گروگان‌های آمریکایی در لبنان آزاد شوند؛ اما همه ماجرا این نبود و با مشخص‌شدن ابعاد مختلف این مبادله مشخص شد که اقدام غیرقانونی دیگری مک‌فارلین و کاخ سفید در زمان رونالد ریگان مرتکب شده‌اند که مربوط به ارسال پول حاصل از فروش سلاح به ایران برای سرنگونی دولت چپ‌گرای نیکاراگوئه، مشهور به سندینیستا، بود.

مشخص شد که سرهنگ اولیور نورث از کارکنان شورای ملی امنیت ایالات متحده آمریکا ترتیبی داده بود که سود ۱۰ تا ۳۰ میلیون‌دلاری فروش اسلحه به ایران به شورشیان کنترا پرداخت شود. درحالی‌که پیش از آن کنگره ایالات متحده آمریکا چنین اقدامی را از اساس غیرقانونی کرده بود. انتشار این اخبار ریگان را واداشت تا آدمیرال جان پویندکستر، مشاور امنیت ملی را که در سال ۱۹۸۵ جانشین مک‌فارلین شده بود، به همراه اولیور نورث از کار برکنار کند. ریگان به دنبال این ماجرا، کمیته مشترک ریاست‌جمهوری و کنگره، به ریاست سناتور سابق جان تاور را مأمور رسیدگی به این ماجرا کرد. کمیسیون تاور بعدها اعلام کرد که ریگان از اقدامات زیردستانش در شورای امنیت ملی در ماجرای ایران-کنترا خبر نداشته است؛ هرچند که افرادی نظیر رونالد ریگان رئیس ستاد کارکنان ریاست‌جمهوری ایالات متحده آمریکا، کاسپارو اینبرگر وزیر دفاع و جورج شولتز وزیر خارجه به دلیل تعلل در جلوگیری از این قانون‌شکنی مورد انتقاد قرار گرفتند. پیامدهای این رویداد برای مک‌فارلین آن‌قدر شدید بود که او در فوریه ۱۹۸۷ در خانه‌اش با خوردن قرص والیوم اقدام به خودکشی کرد؛ اما همسرش او را به بیمارستان رساند و مک‌فارلین از مرگ نجات پیدا کرد. او هفته‌ها در بیمارستان تحت درمان روحی قرار داشت.

درنهایت این دو رسوایی و پیامدهای آن در اواخر دهه ۸۰ در آمریکا به ماجرای ایران-کنترا شهرت یافت؛ هرچند تلاش برای برقراری ارتباط با ایران بعد از این ماجراها ادامه داشت و مک‌فارلین که از طرفداران ترمیم روابط با ایران بود، پس از ترک کاخ سفید در سال ۱۹۸۷ به درخواست ریگان به طور مخفیانه و ناشناس به ایران سفر کرده است. او پس از این سفر گفت که در آنجا با مقامات مختلف ملاقات کرده؛ اما متوجه شده که این جلسات اتلاف وقت بوده است. به هر حال مشخص بود که ایران بعد از این ماجرا علاقه‌ای برای ارتباط مستقیم با آمریکا نخواهد داشت. زیرا در ایران هم این پرونده با نام مأمور مخفی آمریکا یعنی مک‌فارلین بر سر زبان‌ها افتاده بود و افکار عمومی از آنچه رخ داده، مبهوت شده بود؛ هرچند افشاگری‌ها واکنش منفی در ایران و میان افکار عمومی در پی نداشت؛ زیرا تأمین اسلحه در زمان جنگ اهمیت بسزایی داشت و همین قدرت نظامی به کمک ایران آمد تا با پیروزی‌های پی‌درپی عراق را به زانو دربیاورد. از آن زمان اسامی و چهره‌های شناخته‌شده‌ای در ایران در این پرونده نام‌شان مطرح شد و حسن روحانی از مهم‌ترین مذاکره‌کنندگان ایران در هتل هیلتون (استقلال) با هیئت اعزامی از آمریکا بود. چنان‌که در خاطرات اکبر هاشمی‌رفسنجانی آمده تیم آمریکایی با پاسپورت ایرلندی آمدند و یک‌چهارم قطعات موشک هاگ درخواستی و برای سران ایران کلت و کیک هدیه آوردند. به نوشته هاشمی «قرار شد هدیه را نپذیریم و ملاقات ندهیم و مذاکره را در سطح دکتر هادی و دکتر روحانی و مهدی‌نژاد [وردی‌نژاد] مخفی نگه داریم و [مذاکرات] محدود به مسئله گروگان‌های آمریکایی در لبنان و دادن قطعات هاگ و چند قلم دیگر اسلحه [باشد]. آنها بیشتر خواهان مذاکره در مسائل کلی و سیاسی‌اند» (۴ خرداد ۶۵). فردای آن روز قرار شد محمدعلی هادی نجف‌آبادی، رئیس کمیسیون سیاست خارجی مجلس با آنها گفت‌وگو کند. مک‌فارلین احساس اهانت کرد «که چرا مقامات با او حرف نمی‌زنند و چرا هدیه‌اش را نمی‌پذیریم و می‌گوید اگر من برای خرید پوست گربه به روسیه بروم، گورباچف در روز دو بار با من ملاقات می‌کند. قرار شد به آنها بگویند به خاطر تخلف‌ها و بدقولی‌های‌شان اعتماد به آنها نیست و تا عملا جلب اعتماد نکنند، مذاکره رسمی ممکن نیست؛ این نظر سران قواست».

درنهایت هفته‌نامه لبنانی «الشراع» در آبان‌ماه خبر را افشا می‌کند و همین موضوع در ۱۱ آبان حاج احمد خمینی را نگران می‌کند و به هاشمی پیشنهاد می‌دهد که آن را «به گونه واقعی که برای ما پیروزی است و برای آمریکایی‌ها خفت و شکست مطرح کنیم، پیش از آنکه دشمنان سوءاستفاده کنند». هاشمی در سخنرانی خود در ۱۳ آبان ۱۳۶۵ در سالگرد تسخیر سفارت آمریکا جزئیات این سفر را به طور رسمی اعلام می‌کند که به نوشته او مثل بمب در دنیا منفجر شد. در این زمینه با علی بیگدلی، تاریخ‌دان و پژوهشگر عصر معاصر و فریدون مجلسی، تحلیلگر مسائل بین‌الملل به بازخوانی خاطرات آن روزها پرداخته‌ایم.

مک‌فارلین و رسوایی دورزدن تحریم‌های آمریکایی

فریدون مجلسی، تحلیلگر مسائل بین‌الملل: خبر درگذشت مک‌فارلین مشاور امنیتی ریگان، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا، بار دیگر خاطرات جنگ تلخی را به خاطر ایرانیان آورد که با حمله صدام حسین به ایران آغاز و به ویرانی و لطمات جانی و مالی دو کشور همسایه ایران و عراق منجر شد. ماجرایی که یک سر آن مستقیما به ایران مربوط می‌شد، یک سر آن در لبنان بود و سر دیگر به شورشیان کنترا که با رژیم انقلابی نیکاراگوئه در ستیز بودند! ایران در اواخر تابستان ۱۳۶۴ سال پنجم جنگ با صدام را پشت سر می‌گذاشت. از آزادی خرمشهر زمانی گذشته بود و پیروزی چشمگیری پدید نیامده بود. کشور در تحریم بود و به هر بهایی از بازارهای سیاه از هر گوشه جهان تسلیحاتی فراهم می‌کرد. سرهنگ مک‌فارلین با استفاده از نیاز و التهاب ایران پیشنهاد تدارک تسلیحات پیشرفته ازجمله موشک‌های هاوک را مطرح کرد که وسوسه‌انگیز بود! لبنان چه نقشی داشت؟ برمی‌گردد به قضیه گروگان‌گیری‌های حزب‌الله! ایران که از ماجرای گروگان‌گیری که در روز آغاز به کار ریگان منجر به استرداد گروگان‌های آمریکایی پس از ۴۴۴ روز و طرح دعاوی غرامات شرکت‌های آمریکایی در داوری لاهه شده و خسارات بسیار دیده بود، اکنون با چند میانجی انگلیسی، می‌توانست با کمک به آزادی آنان امکان معامله تسلیحات آمریکایی را فراهم کند. عماد مغنیه که در قالب حزب‌الله لبنان دارای روابط نزدیک با نهادهای جمهوری اسلامی بود، توانست نسبت به برادران ایرانی ادای دِینی کند و با آزادکردن گروگان‌ها، امکان تدارک تسلیحات را در گرماگرم جنگ فراهم کند. تسلیحات از چه طریق؟ از طریق جایی نادلخواه در منطقه که شاید طبق قاعده ضرورات (الضرورات تبیح المحظورات) توجیه‌پذیر بوده است.

در واقع ریگان مایل بود به شورشیان کنترا که علیه دولت چپ نیکاراگوئه می‌جنگیدند کمک کند؛ اما قانونی که کنگره تصویب کرده بود، این کمک را ممنوع می‌کرد. سرگرد اولیور نورث که در آن زمان نامش در ایران بسیار شناخته‌شده بود، ابتکاری برای «دورزدن تحریم» برای کمک به شورشیان نیکاراگوئه ابداع کرد. قرار بر این شد که آمریکا تسلیحات مدنظر را به یک واسطه در منطقه بفروشد و پولش را طبق نرخ و ضوابط قانونی بگیرد. آن واسطه با کشیدن مبلغ درخورتوجهی روی نرخ قانونی از انبارهای خود آن‌گونه تسلیحات را به ایران تحویل دهد؛ اما آن مابه‌التفاوت را از طریق «دورزدن تحریم» در اختیار شورشیان کنترا قرار دهند! یعنی در دفاتر مالی آمریکا تسلیحاتی را به واسطه‌ای از اقمار خودش فروخته و پولش را هم گرفته و به حساب خزانه گذاشته است. آن واسطه منطقه هم آخرین مدل‌های تسلیحاتی را به انبار خودش منتقل کرده و پولش را هم از محل فروش تسلیحات مشابه با دورزدن به نوبه خود به ایران فروخته و تراز حسابش برقرار مانده است؛ یعنی از دید قوانین مالی آمریکا و آن واسطه منطقه گویی اصلا نه خانی آمده و نه خانی رفته! اما ایران برای خرید آن تسلیحات مبالغ بیشتری پرداخته که به روش ابداعی سرگرد اولیور نورث در قالب برنامه سرهنگ مک‌فارلین، آن مبلغ بدون آنکه از جیب یا خزانه‌داری آمریکا پرداخت شده باشد، در اختیار شورشیان مورد حمایت پرزیدنت ریگان قرار گرفته است.

این برنامه به مدت یک‌سال‌و نیم ادامه داشت. گروگان‌های آمریکایی آزاد شدند. تسلیحات به ایران رسید و در مراحلی از جنگ مؤثر بود؛ اما با لورفتن این اقدام که فریب دولت آمریکا و دورزدن غیرقانونی قانون تحریم و دروغ‌گفتن در جایگاه رسمی بود، رسوایی بزرگی در آمریکا پدید آمد، البته این افراد هیچ سودجویی مالی در آن نداشتند؛ اما منجر به محکومیت اولیور نورث به پرداخت ۲۰ هزار دلار جریمه و دو سال انفصال از خدمت شد که در زمان بوش پدر عفو شد؛ اما اولیور نورث در گرماگرم لطمه حیثیتی یک بار خودکشی هم کرد، با این حال توانست تا ۸۴سالگی دوام بیاورد.

اما این ماجرا در ایران چه آثاری داشت؟ در ایران گذشته از نقش عملیاتی آن تسلیحات، با لورفتن قضیه که یک سر آن قربانی‌فر دلال ایرانی و یک سر آن مأموریت دیپلماتیک کنگرلو با شیوه مخصوص خودش قرار داشت، و مقاومت سیدمهدی هاشمی برادر داماد مرحوم آیت‌الله منتظری که در آن زمان کمک به نهضت‌های آزادی‌بخش را برعهده داشت، مواجه شد که با رسیدگی به سوابق دیگر به اعدام او منجر شد.

در آمریکا چه شد؟ عدم رعایت قانون و انضباط اداری و فراتر از صلاحیت‌ها البته سروصدای بزرگی به راه انداخت؛ اما شاید بتوان گفت که پرزیدنت ریگان این کار را در زمانی انجام داد که صدام با کمک مالی کشورهای عربی دست بالا را داشت و در واقع در خدمت سیاست اعلام‌شده او بود که درباره جنگ ایران و عراق گفته بود «این جنگ برنده‌ای نخواهد داشت!». شاید درسی باشد در ارزیابی جنگ‌های دیگر فرسایشی در منطقه که پرزیدنت ترامپ اعلام کرد و گفت «این کشورهای اسلامی منطقه دشمنان ما هستند، اگر می‌خواهند یکدیگر را بکشند بگذار بکشند ما تماشا خواهیم کرد!».

شرکت ملی حفاری ایران « سهامی خاص »

آگهی مناقصه (نوبت اول /دوم)
مناقصه عمومی یک مرحله ای (با ارزیابی ساده)

شناسه آگهی ۱۳۱۱۴۲۸ | نوبت دوم

شرکت ملی نفت ایران

***موضوع مناقصه :** خرید قطعات و لوازم مربوط به دستگاههای حفاری به شرح ذیل
***مشخصات مناقصه**
نام مناقصه گزار: شرکت ملی حفاری ایران
شماره تقاضا/ مناقصه: ۰۰۳۴۳۲۷
شرح تقاضا: کاغذ A4
مبلغ برآورد (ریال/ارز): ۹,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
***روش ارزیابی کیفی مناقصه گران**
روش ارزیابی: به صورت ساده براساس ارایه جواز کسب / مدارک حقوقی (اساسنامه/آگهی تاسیس تا آخرین تغییرات) معتبر متناسب با موضوع مناقصه (تامین کالا) در جلسه گشایش پیشنهادها انجام می شود .
***نحوه دریافت/ تحویل اسناد مناقصه :**
–دریافت اسناد توسط شرکت
تاریخ شروع دریافت: توزیع اسناد از یک روز پس از چاپ آگهی نوبت دوم آغاز شده و تا ۱۰ روز پس از آن ادامه خواهد داشت
محل دریافت: از طرق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir –گروه مناقصات تلفن تماس ۳۴۱۴۶۲۵۷-۰۶۱
–تحویل اسناد به شرکت
آخرین مهلت: ۲۸روز پس از آخرین روز دریافت اسناد
محل تحویل: در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به نشانی www.setadiran.ir و اصل ضمانت نامه به آدرس اهواز- بلوار پاسداران بالاتر از میدان فرودگاه – شرکت ملی حفاری ایران – ساختمان پایگاه عملیاتی – طبقه اول پارت B –اتاق ۱۰۷– دبیرخانه کمیسیون مناقصات– شماره تماس ۳۴۱۴۸۵۶۹ – ۳۴۱۴۸۵۸۰-۰۶۱
***تضمین شرکت در مناقصه (فرآیند ارجاع کار)**
مبلغ تضمین ۰۰۳۴۳۲۷ ۴۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال
انواع تضامین قابل قبول: ۱–ضمانتنامه بانکی و یا ضمانتنامه های صادره از سوی موسسات اعتباری غیر بانکی دارای مجوز فعالیت از بانک مرکزی
۲–اصل فیش واریز وجه نقد به حساب شماره ۴۰۰۱۱۱۴۰۰۶۳۷۶۶۳۶ نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان تمرکز وجوه سپرده شرکت ملی حفاری ایران ۳–(شماره شبا:IR۳۵۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۱۴۰۰۶۳۷۶۶۳۶)
۴–و سایر تضمین های معتبر در آیین نامه تضمین معاملات دولتی به شماره ۵۰۶۵۹ ت / ۱۲۳۴۰۲ مورخ ۹۴/۰۹/۲۲ مورد قبول و پذیرش می باشد.
مدت اعتبار پیشنهاد/ تضمین: ۹۰روز (برای یک بار در سقف مدت اعتبار اولیه قابل تمدید باشد)
تذکر : با توجه به بخشنامه شماره ۹۸/۱۳۸۶۶۵ مورخ ۹۸/۰۴/۰۳ معاونت پژوهش و فناوری وزارت نفت مبنی بربکارگیری سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) ثبت نام کلیه متقاضیان حضوردرمناقصات،مزایدات شرکت ملی حفاری ایران درپایگاه www.setadiran.ir الزامی می باشد.
. کانال های اطلاع رسانی شرکت ملی حفاری ایران:
http://sapp.ir/nidc_pr و www.nidc.ir
آدرس: اهواز– بلوار پاسداران– بالاتر از میدان فرودگاه
صندوق پستی: ۶۱۶۳۵-۹۰۱ **تلفن:** ۷-۳۴۴۴۰۱۵۱-۰۶۱
فاکس: ۳۴۱۴۶۴۵۱-۰۶۱ **وب سایت:** www.nidc.ir

شرکت توزیع نیروی برق استان فارس (سهامی خاص)

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله ای همراه با ارزیابی کیفی فشرده (شماره ۷-۱-۱-۱۴۰۱)

شناسه آگهی ۱۳۱۴۴۱۲ | نوبت اول

۱–نام مناقصه گزار : شرکت توزیع برق فارس به آدرس شیراز خیابان معدل حدفاصل فلسطین و ملاصدرا تلفن ۳۲۳۱۹۳۷۴-۸۰– تلفن امور تدارکات ۳۲۳۱۷۸۶۹
۲– موضوع مناقصه : خرید انواع کابل مسی فشار ضعیف (به شماره ۷-۱-۱-۱۴۰۱)
۳– زمان دریافت اسناد مناقصه: در ساعت اداری از تاریخ ۱۴۰۱/۰۲/۲۵ تا ساعت ۱۹ مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۲۹ به مدت ۵ روزکاری
۴– مدارک مورد نیاز جهت تحویل اسناد : فیش واریزی به مبلغ ۲۲۰۰۰۰ ریال واریز به حساب جاری شماره ۰۷۸۶۰ - ۷۴۸۲۷ بانک تجارت شعبه فلسطین شیراز
۵– آدرس محل دریافت اسناد : دسترسی به اسناد مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir امکان پذیر می باشد. به شماره فراخوان سامانه تدارکات الکترونیک دولت ۱۲۰۰۱۰۰۷۰۰۰۰۰۰۰۴۹
۶–آدرس محل دریافت پیشنهادها : شیراز خیابان معدل حدفاصل فلسطین و ملاصدرا شرکت توزیع نیروی برق استان فارس - امور تدارکات تلفن ۳۲۳۱۷۸۶۹
۷– زمان تحویل اسناد : ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۱۶
۸– محل برگزاری مناقصه : شرکت توزیع نیروی برق استان فارس - طبقه چهارم - سالن اجتماعات
۹– زمان بازگشایی پاکت ها : پاکت ارزیابی کیفی شرکت های مناقصه گر ساعت ۱۳ روز دوشنبه مورخ۱۴۰۱/۰۳/۱۶ با حضور اعضاء کمیسیون مناقصه باز و قرائت می گردد و در صورت کسب حد نصاب لازم پاکت الف و ب پس از رسیدگی کمیته فنی بازرگانی در تاریخی که در روز ۱۴۰۱/۰۳/۱۶ اعلام می شودبازگشایی می شود و به پیشنهادهای فاقد امضاء مشروط ، مخدوش و پیشنهاداتی که بعد از موعد مقرر در بند ۷ آگهی مناقصه واصل شود ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۱۰– ذکر شماره مناقصه روی پاکت ها الزامی بوده و حضور پیشنهاد دهندگان در جلسه آزاد است.
۱۱– تضمین شرکت در مناقصه : مبلغ ۴,۳۵۲,۴۵۰,۰۰۰ریال که به صورت ضمانت نامه معتبر بانکی، چک بانکی یا چک تضمین شده در وجه مناقصه گزار یا مطالبات بلوکه شده توسط امور مالی این شرکت می باشد که بایستی در پاکت الف قرارگرفته و همزمان با سایر پاکات تحویل مناقصه گزار گردد. ضمناً تعیین کمتر از مبلغ یاد شده یا سایر موارد(چک شخصی ، وجه نقد و ...) قابل قبول نمی باشد.
۱۲– شرکت توزیع برق فارس در رد یا قبول کلیه پیشنهادات مختار است.
۱۳– مناقصه به صورت عمومی و در دو مرحله برگزار می گردد.
۱۴–سایر اطلاعات و جزئیات مربوط در اسناد مناقصه مندرج است .(شرکت کنندگان در مناقصه می بایست دو روز قبل از آخرین تاریخ تحویل پاکت ها با مراجعه به سایت توانیر و یا سایت شرکت توزیع برق فارس و یا تماس با امور تدارکات ، از آخرین اصلاحات احتمالی اسناد مطلع گردند در غیر این صورت مسئولیت عدم رعایت این بند به عهده مناقصه گران می باشد.)

شرکت توزیع نیروی برق استان فارس